

وضعیت ترجمه، کنشگران و ابعاد آن در دوره قاجار*

محمدامیر احمدزاده^۱

چکیده

ترجمه منابع آثار و تألیفات از زبان‌های اروپایی در دوره قاجار یک داد و ستد فرهنگی، علمی و تجربی بود که بر نگرش، جهان‌بینی و فرهنگ و معارف گروه‌های فعال اجتماعی ایران تأثیر زیادی داشت. در این فرآیند، رابطه زبان و فرهنگ در ترجمه به عنوان یک اصل مهم در مطالعات فرهنگی، نقش اثرگذاری در شکل‌گیری گفتمان میان متن مبدأ و ذهن و فرهنگ خالقان جدید (مترجمان) در جامعه ایران داشته است. آنچه که باعث شده است تا فاصله فرهنگی میان متن ترجمه از متن اصلی کمتر شود به اهمیت نقش ترجمه و مترجم در انتقال فرهنگی و نسبت بین سیاست فرهنگی و ترجمه مربوط می‌شود. تأثیر فرهنگ در انتخاب اثر برای ترجمه کردن، انتقال و دگردیسی اسطوره‌های فرهنگی و مفاهیم علمی و اجتماعی، تعبیر نادرست و سوء برداشت‌های فرهنگی، عناصر فرهنگی ترجمه‌ناپذیر، سانسور فرهنگی، ترجمه و سلطه زبانی و نقش ترجمه فرهنگی در ساخت فرهنگی و تلاوم هویت قومی، ملی و مذهبی از مسائلی مهمی است که در ترجمه‌های دوره قاجار قابل بررسی و ارزیابی است.

دوره قاجار به از جهت رشد ترجمه کتاب‌های اروپایی حائز اهمیت است. مقدمات ترجمه و چاپ کتاب در روزگار عباس میرزا و میرزا بزرگ قائم‌مقام فراهانی فراهم آمد و بعدها تشکیل دارالترجمه دربار و دارالفنون باعث شد ترجمه و نشر رونق بیشتری یابد. در این دوره کتاب‌های بسیاری چاپ و منتشر شد. علاوه بر کتاب‌های علمی، نظامی، فلسفی و اقتصادی تعداد زیادی کتاب‌های تاریخی نیز ترجمه و انتشار یافتند. با وجود این، اگرچه اقدام به ترجمه در زمینه دانش‌های نوین اروپا برای یافتن راهی بوده است که بیلان وسیله ایران را به کاروان تمدن و دانش نوین جهانی پیوند دهد و درهای جدید از علم و معرفت را بر روی ایرانیان بگشاید، اما این مسأله دارای معایب و نقایصی نیز بود که شناسایی این معایب حائز اهمیت است. واژگان کلیدی: ترجمه، انتقال فرهنگی، مترجمان، متن مبدأ، جامعه مقصد، دارالترجمه ناصری، دوره قاجار

Translation Status, Actors and Dimensions of the Qajar Period

Mohamadmir Ahmadzade²

Abstract

In the Qajar period, translation of works and writings from European languages into Persian was considered as a cultural, scientific and experimental exchange which had a lot of influence on the worldview, culture and education of social activist groups. In this process, the relationship between language and culture in translation as an important principle in the cultural studies had played an important role in the development of an effective dialogue between the original European text and the mind and culture of the new creators (translators) in Iran. What causes the cultural distance between the original text and the translated text to be lessened is related to the important role played by translation and translator in the cultural transmission and the relation between the cultural policy and translation. Thus, the role of cultural influences on the choice of a text for translation, transmission and transformation of cultural myths as well as scientific and social concepts, erroneous interpretations and cultural misunderstandings, untranslatable cultural elements, cultural censorship, translation and linguistic dominance, the cultural role of translation in cultural construction and the maintenance of ethnic, national and religious identity are all important issues worthy of consideration and exploration in the translations of the Qajar period.

In terms of the translation of European books, the Qajar period is of great importance. Translating and publishing books which had started at the time of Mirza Abbas and the great Mirza Qá'im Maqam Farahani later flourished and highly expanded with the establishment of the institute of translation and publication of the court and the Academy (Dar- al-fonun). In fact, a large number of books – not only on scholarly, military, philosophical and economical subjects but also on history – were translated and published in this period. Despite the fact that translating this new European knowledge was a means of finding a way for Iran to join the caravan of civilization and new knowledge and to be exposed to newly opened gates of science and enlightenment, it cannot be denied that it all had its disadvantages and flaws the identification of which is highly important.

Keywords: Translation, Cultural Transmission, Translators, Original Text, Country of Destination, Dar- al-tarjomah Naser-al-din-shah, The Qajar period.

۱. استادیار پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی *تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۴/۱۴

2. Assistant Professor of Institute for Humanities and Cultural Studies.

Email: ahmadzadeamir20@yahoo.com

طرح مسأله

مسائل ترجمه علاوه بر تأثیرپذیری از حساسیت‌های فرهنگی و ضرورت جذب مخاطب، برآمده از این بود که از ابتدای توجه به ترجمه آثار اروپایی، همواره پرسش‌های متعددی برای اندیشمندان، اصلاحگران و مترجمان مطرح بود که ترجمه چه حرکت و دگرگونی‌هایی را می‌تواند در زبان و تفکر گیرندگان ترجمه پدید آورد و یک مترجم توانا باید از چه ویژگی‌هایی برخوردار باشد؟ ترجمه از طریق چه راه‌هایی می‌تواند اثرگذار باشند؟ آیا این تأثیرات به شکل قانونمند و فراگیر در زبان‌های گیرنده ترجمه و جوامع مقصد یکسان است؟ این پرسش‌ها باعث شد تا برای ترجمه شرط‌هایی مطرح شود و مورد توجه اغلب مترجمان قرار بگیرند.

تغییرات در ترجمه به منظور اعمال عناصر ذهنی و فرهنگ ایرانی از طریق انتخاب معادل‌های ایرانی با دقت زیاد انجام می‌شد. اینگونه ترجمه‌ها در خوانندگان تأثیرات زیادی می‌گذاشتند به طوری که گاه فراموش می‌کردند که آنچه می‌خوانند ترجمه کتابی است که اصل آن از یک زبان اروپایی است.

از ابتدای ترجمه آثار از زبان‌های اروپایی به فارسی مترجمان بزرگ و سخن‌شناسان مشهور درباره چگونگی ترجمه و شرط مترجم بحث‌های زیادی کرده‌اند. محمد کرمانشاهی (۱۲۸۷ - ۱۳۰۶ش) کتاب *تریل بلاس اثر لوساژ*^۳ را به فارسی برگرداند و در «مقدمه» ترجمه‌اش به موضوع جالبی که بیان‌کننده خلاقیت ذوقی و توان هنرآفرینی او بود، اشاره کرده است. به عقیده وی «در ترجمه حکایت و افسانه، مترجم می‌تواند به جای نام‌های نامشهور فرنگی مانند کادروش، کاوالکانتی، والدسکف، رلاندو، دانتس از نام‌های فارسی چون رستم، افرسیاب، فرهاد سود جوید.»^۴ از دیدگاه او این کار می‌توانست به دریافت خوانندگان از داستان و ادامه همراهی آنان با نویسنده داستان کمک بکند.

رویکرد مترجمان به ترجمه و پایگاه اجتماعی آنان در دوره قاجار

بررسی وضعیت اجتماعی و زندگی مترجمان دوره قاجار و شناخت آنان از مفاهیم جهان مبدأ و دانش تخصصی او در موضوعات ترجمه می‌تواند درک میزان اعتبار ترجمه‌ها مؤثر باشد. برخی

3. A. R. Lesage

۴. آلن رونه لوساژ، سرگذشت *تریل بلاس*، ترجمه محمد کرمانشاهی، به اهتمام غلامحسین میرزا صالح (تهران: مازیار - معین،

۱۳۷۷)، ص ۱۹۷. مقدمه ص ۱-۵

از مترجمان با دانش تخصصی وارد عرصه ترجمه می‌شدند و در ترجمه آثار اروپایی صرفاً به ترجمه نوع خاصی از متون گرایش داشتند.^۵ این امر طبعاً مهارت در ترجمه و اشراف بر متون را به همراه داشت. محمد طاهر میرزا (۱۳۱۷-۱۲۵۰ق / ۱۲۷۸-۱۲۱۳ش) از جمله مترجمانی بود که تحصیلات و فعالیت‌های حرفه‌ای متمادی در عرصه علوم و رمان داشت. او به عنوان یک شاهزاده نزدیک به دربار قاجار صرفاً یک مترجم ساده نبود، بلکه آثاری که ترجمه کرد با استقبال عمومی و همچنین استقبال گروه‌های نواندیش و آگاه مواجه شد و برای دوره‌های طولانی به عنوان یک مرجع، مورد استفاده قرار گرفت، به طوری که ترجمه‌های او در تحولات فرهنگی و سیاسی ایران نقش مهمی داشتند. طبعاً محمد طاهر میرزا به عنوان یک مترجم پرکار و ماهر براساس جایگاه اجتماعی خود به گزینش آثار می‌پرداخت و هرگز به ترجمه آثار سیاسی نپرداخت.

برخی از مترجمان از گروه‌های اجتماعی پایین‌تر ظهور کرده بودند. آنها بیشتر مترجمانی «اخلاق‌گرا» بودند و هیچ مسأله‌ای در توجه آنان به ترجمه ایفای نقش نمی‌کرد، بلکه صرفاً علاقه به رشد جامعه و آگاهی بخشیدن به آن در آنان حرکت ایجاد می‌کرد. کرمانشاهی به عنوان یک مترجم از این اصول تبعیت کرد و علت واقعی گرایش او به ترجمه رمان این بود که صرفاً این نوع قالب بیانی را برای انتقال دانش و آموزش به مردم از انواع دیگر مهمتر و مفیدتر می‌دانست. یکی از مترجمان فعال در عصر ناصری محمد حسن خان اعتمادالسلطنه (۱۳۱۳-۱۲۵۹ق) بود. او مدت‌ها خودش سمت وزارت داشت و به ترجمه و نشر آثار پرداخت و مترجم حضور و منشی مخصوص ناصرالدین شاه بود. او با رویکرد دولتی به ترجمه می‌پرداخت و از رویکرد و روش متصدیان امر ترجمه تبعیت نمی‌کرد. مترجمان دارالفنون هم گروهی فعال و پرکار از مترجمان بودند که پس از کسب تحصیلات جدید و برخوردار از منابع فکری و علمی اروپایی به ترویج علوم جدید پرداختند.

کارکردهای ترجمه در دوره قاجار

الف) قائل شدن رسالت و کارکرد اجتماعی برای ترجمه

در اروپا میزان انتشار نوع ادبی رمان به نقش آنان در نشر علوم و دانش متکی بود. در واقع سرنوشت

۵. محمدرضا فشاھی، از گاتها تا مشروطیت: گزارشی کوتاه از تحولات فکری و اجتماعی در جامعه فتودالی ایران (تهران: گوتنبرگ، ۱۳۵۴)، ص ۲۶۳-۲۵۴.

۶. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، به کوشش ایرج افشار (تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۵)، ص ۲۶۲-۲۵۶؛ و نیز نک:

و جایگاه اجتماعی آن به علومی وابسته بود که از خلال رمان‌ها و به زبان ساده رواج می‌یافت.^۷ گاه «ترجمه زیباتر و آراسته‌تر و فاخرتر از متن اصلی» شده است. استفاده از شیوه و قالب رمان برای انتقال قواعد علوم و اخلاق به جامعه در ترجمه آنان بسیار کارگشا بود. در کتاب بیست هزار فرسنگ زیر دریاها شکل ادبی رمان توانسته است که معلومات علمی و فنی لازم برای پیشرفت را در دسترس تعداد زیاد مخاطبان قرار دهد و جدایی‌ناپذیری تخیل و علم از همدیگر را در این قالب ادبی آورده است. چنین رمانی می‌توانست با شرح وقایع شگفت‌انگیز، عموم مردم را سرگرم و حس کنجکاوای آنان را برانگیزد و به اندیشمندان و تحصیل‌کردگان در لا به لای مفاهیم تخیلی اطلاعات و شناخت کلی دهد و بر هر گروه از مخاطبان به میزان توان ذهنی، در رشد و حرکت بخشی کمک کند. این روش اروپایی‌ها در بیان مفاهیم علمی، اجتماعی و سیاسی توانسته است تا دسترسی ملت‌ها به علوم را تسهیل کند.

با توجه به این مباحث می‌توان نقش ترجمه رمان‌ها در شیوع علوم در جوامع مقصد را یک نقش بی‌بدیلی دانست، زیرا رمان‌ها از موضوعات متعدد علمی از جمله تاریخ، فرهنگ، سیاست، اجتماع و بحران‌ها سخن می‌گفتند و باعث می‌شدند تا علم به معنای کلی آن یعنی کسب شناخت و آگاهی از اوضاع عمومی جهان را به همه گروه‌های اجتماعی جوامع مختلف منتقل سازند. این مباحث به طور کلی برای عموم مردم آموزنده بود. همچنین ترجمه رمان‌ها نقش مهمی در تربیت جدید مردم داشت، زیرا رمان‌ها الگوهایی را از فرهنگ و تاریخ سنتی جدید ملت‌ها می‌گرفتند و آن را به زبانی ساده در اختیار عمومی گروه‌های اجتماعی قرار می‌دادند و این مسأله نقش مهمی در رشد تربیت اجتماعی و فرهنگی داشت. ملت‌های حاضر در جوامع مقصد با خواندن رمان‌های ترجمه شده آن را همچون آینه‌ای می‌دیدند که آمال و آرزوها و یا مسائل و بحران‌های خود را در آن شبیه‌سازی می‌کردند و مرتبط با آن تحول‌آفرین می‌شدند. آنان مسائل خود را براساس این الگوها مورد بازبینی قرار می‌دادند و از انفعال اجتماعی و سیاسی و مسئولیت‌ناپذیری اکراه پیدا کردند.^۸ محتوای مباحث رمان‌ها همچنین در تولید و شکل دادن به برخی رسوم و قواعد و هنجارهای جدید و پیش‌برنده به یک چارچوب کارکردی تبدیل شدند. زیرا با یک چارچوب روایی جذاب و خواندنی نقش زیادی در ارائه و ترویج ارزش‌های اخلاقی داشتند. برخی از ترجمه‌ها از جمله سرگذشت حاجی بابای

۷. علی خزائی فر، «نظریه ترجمه، دیروز و امروز»، نامه فرهنگستان، ش ۲۸ (زمستان ۱۳۸۴)، ص ۶۹-۷۹؛ و نیز علی صلحجو،

«کارکردگرایی در ترجمه»، فصلنامه مترجم، س ۸، ش ۲۹ (تابستان ۱۳۷۸)، ص ۴۶-۳۹.

8. E. Bosworth, c. Hillenbrand (Eds), Qajariran: Political Social and Cultural Change (Costa Mesa ca: Mazda, 1983), p. 243.

اصفهانسی که در اصل بازتاب اخلاق و فرهنگ مردم ایران بود به طور مستقیم بر ایرانیان تأثیر گذاشت. مترجمان در چند دهه اول قرن چهاردهم هجری قمری، قالب رمان را به عنوان بهترین وسیله برای اصلاح آداب و اخلاق یک ملت مورد توجه قرار دادند و این قالب ترجمه‌ای به سرعت در جامعه انعکاس داشت. به تدریج، در ایران همچون اروپا رمان‌نویسان بزرگترین معلمان علم و فرهنگ شدند و عالمان و فلاسفه و تلاش‌کنندگان عرصه تعلیم و تربیت جدید در قالب حکایات کوشیدند تا گروه‌های اجتماعی را آگاه سازند.^۹

رمان‌های ترجمه شده ابعاد اجتماعی، تاریخی و فرهنگی گوناگونی داشتند. گاه یک رمان در قالب داستان‌های جذاب و آموزنده مخاطبان را به شناخت بیشتر از روح ملت مبدأ می‌کشاند، اما محتوای اصلی آن مباحث فلسفی و آموزشی بود. برخی از رمان‌ها هم به عنوان کتاب تاریخی تلقی می‌شدند. در متون مختلف ترجمه شده مفاهیم تاریخ، افسانه، خیالات علمی و علم در کنار هم همچون واژگانی همسان تلقی شده‌اند. محمد طاهر میرزا در ترجمه رمان سه تفنگدار، واژگان تاریخ و رمان را به هم پیوند زده است. این کتاب اگرچه به شکل داستان‌های افسانه‌ای نوشته شده اما هرگز وقایع آن خلاف واقع و کذب نیست. محمد طاهر میرزا از جمله مترجمانی بود که به واقعیات و عینیات موجود در آثار بیشتر توجه می‌کرد. در ترجمه رمان‌های وی گرچه مباحث شگفت‌انگیز و سحر و حکایات جادویی وجود داشت، اما به ترجمه رویدادهای تاریخی واقعی می‌پرداخت که در عالم معینی رخ داده‌اند. ترجمه رمان علاوه بر اینکه دربردارنده مطالب تاریخی بودند نقش آموزنده و سرگرم‌کننده‌ای برای مترجمان دیگر داشتند. در میان این ترجمه‌ها، توصیف فرهنگ و اخلاق جامعه مبدأ و دقت و صراحت در بیان مباحث تاریخی باعث جذب مخاطبان زیادی شده بود.

ب) بهره‌گیری از ترجمه برای بیان دیدگاه‌های سیاسی

یکی دیگر از کارکردهای عمده متون ترجمه‌ای به‌ویژه ترجمه رمان، توجه به ابعاد سیاسی و تأثیرگذاری آن برای حل بحران‌های سیاسی و حرکت جامعه به سوی تحول‌خواهی سیاسی بود. ترجمه‌هایی که در عصر افول قاجاریه انجام می‌شدند اغلب به نحوه رفع بحران‌ها در کشورهای فرانسه و امپراتوری قدیم روم مربوط بودند و حرکت اندیشه‌های آزادی‌خواهانه را ترویج می‌کردند. از سوی دیگر، رمان به عنوان یک گونه ادبی مهم برای جوامعی بود که در اثر شرایط استبدادی امکان سخن‌سرایی صریح و آشکار را نداشتند و استفاده از قالب تمثیل، قصه، روایت و حکایت برای

9. M.C Hillmann. Persian Prose Fiction: An Iranian Mirror and Conscience, In E. Yarshater (Ed) (Persian Literature, 1988), pp. 289 - 293.

بیان مسائل راهکار مناسبی برای رفع نیازهای عمومی افراد جامعه بود. بنابراین، قالب بیانی رمان برای حفظ جوانب احتیاط و ملاحظه در طرح انتقادات اجتماعی و سیاسی یک قالب بیانی و نوشتاری مناسب بود. مترجمان ایرانی در شرایط سلطه سلطنت مطلقه بر امور، از «گفتار استعاری»^{۱۰} رمان برای مبارزه با ظلم و انتقاد از اوضاع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی استفاده می‌کردند و زبان حال ملت‌های اروپایی و یا تاریخ قدیم ایران را برای بیان اهداف و آرزوهای خود به کار می‌بردند. بدین ترتیب رمان‌های ترجمه شده بدون مقابله و رویارویی مستقیم با هیأت حاکمه قاجاریه، وسیله تأمل و تفکر عمومی در موضوع مسائل مختلف را فراهم می‌کردند و بر رشد احساسات وطن‌پرستانه و هشیاری اجتماعی و بیداری عمومی می‌کوشیدند.^{۱۱}

این رمان‌ها، «تاریخ» را در قالب اسطوره‌ای و داستان ارائه می‌کردند و با یک فرم زیبا موفقیت‌های فراوانی کسب می‌کردند. در ترجمه رمان‌ها به عنوان یک نوع ادبی جدید، تفسیرهای تازه مترجمان که در واقع نویسندگان جدید این آثار بودند، براساس الگوهای شکل گرفته اروپایی حائز اهمیت است. امین دفتر مترجم کتاب هانری چهارم پل در ترجمه این کتاب مدعی شده است که اروپایی‌ها با استفاده از این قالب بیانی به احیاء تاریخ و انعکاس آن در جامعه خود پرداخته‌اند. برخی از مترجمان از جمله محمد طاهر میرزا به حدی در حین ترجمه یک رمان به محتوای آن اطمینان پیدا کرده‌اند که آن را وقایع واقعی و تاریخ تصور کرده‌اند، به طوری که ترجمه کتاب سه تفنگدار الکساندر دوما^{۱۲} را با عنوان تاریخ سه تفنگدار ارائه کرد. محمد طاهر میرزا در دیباچه ترجمه این کتاب معتقد است که دستمایه اصلی این کتاب بر وقایع تاریخی استوار شده است، تا وقایع را بهتر به خواننده تفهیم کند. محمد طاهر میرزا و ابوتراب نوری از مترجمانی هستند که بر این باور بودند که رمان اروپایی صرفاً یک فن جدید روایی و بیانی است و وقایع و مباحث اصیل تاریخی صرفاً برای برانگیخته شدن احساسات انسانی در قالب افسانه و رمان بیان می‌شوند.

الگوها و قالب‌های اصلی موجود در ترجمه‌ها با بررسی دیباچه‌های مترجمان و محتوای آثاری که ترجمه شده است، روشن می‌شود. برای تحلیل کار ترجمه بررسی و مقایسه متن ترجمه‌ای و متن اصلی، وضعیت چند زبانی و زمان تألیف و ترجمه اثر لازم است. در واقع حذف کردن‌ها و تغییرات پربار و غنی در میان متون ترجمه‌ای بسته به مهارت مترجم کم و زیاد می‌شد و انتقال معانی و مفاهیم را از فرهنگی به فرهنگ دیگر تسهیل می‌بخشید. از سوی دیگر، باید در نظر داشت که

10. Metaphorical speech

11. J. H. Lorentz, *Modernization and Political Change in Nineteenth Century Iran: the Role of Amir kabir* (Princeton: Princeton University, 1974), pp. 148 - 153.

12. Alexander Dumas (1803-1870)

محیطی که مترجمان در آن پرورش یافته‌اند اغلب دربار قاجار و یک فرهنگ رسمی، بسته و دولتی بوده است و ترجمهٔ رمان‌های فرانسوی اغلب از سوی مترجمان درباری یا به سفارش درباریان انجام شده است. اولین دغدغه مترجم در ترجمه، مسألهٔ زبان‌شناختی و واژگانی و سپس زبان فنی و مفاهیم و واژگان تخصصی اوست. هرگونه تنوع موقعیت‌ها برای مترجمان کم‌تجربه که شناخت چندانی از اوضاع اروپا نداشتند یک تجربهٔ پر مخاطره تلقی می‌شد.

ج) نقش ترجمه در تسهیل نثر فارسی

به طور کلی، توجه به ترجمه در ایران قرن سیزدهم و چهاردهم هجری قمری آثار متعددی به بار آورد. نثر فارسی در اثر ترجمه به انواع جدید ادبی روی آورد و با قبول شیوه‌های گوناگون بیانی به مرز مشخصی از تفاوت گونه‌های ادبی و غیرادبی منجر شد. نثر فارسی در اثر تأثیرپذیری از آخرین پیشرفت‌های تکنیکی وارداتی غرب و در اثر مبادلات با انواع متون اروپایی و توسعه صنعت چاپ و نشر در ایران به شکل‌گیری و بالندگی جدیدی رسید. مسألهٔ ترجمه در ایران باعث ترقی در آموزش و تربیت به سبک نوین شد و ترجمه همچون یک کانال انتقال مفاهیم سیاسی و الگوبرداری ایرانیان از وقایع قرن نوزدهم برای ایجاد حرکت‌های جدید اجتماعی و سیاسی مؤثر واقع گردید.^{۱۳} این مسائل به شکل‌گیری هنجارهای نوینی کمک کرد که تمام آنان از الگوهای جدید الهام گرفته بودند. مطبوعات و ترجمه در روزنامه‌ها هم به وارد شدن تجربیات شخصی جدید و بینش‌های تازه در ادبیات جهان نو و رشد رویکرد واقع‌گرایانه و آینده‌نگرانه منجر شد.

د) توجه به ترجمه متون روزنامه‌های خارجی

رشد مطبوعات و گسترش صنعت چاپ به گروه تحصیل‌کردگان و اندیشمندان و مترجمان ایران امکان داد تا تأخیر قابل ملاحظهٔ خود در عرصه تحول علمی، فرهنگی و اجتماعی و سیاسی را ببینند. در اثر شکل‌گیری و رشد این فنون نوین و کارآمد ترجمه آثار خارجی که بخش عمدهٔ آن از زبان فرانسوی بود، جذب شد و به عنوان دستورالعمل رفتاری و فرهنگی بخشی از جامعه ایران مورد استفاده قرار گرفت. مسألهٔ ترجمه اگرچه گاه و بیگاه روندی کند و بی‌قاعده و ناپیوسته داشت، اما اشتیاق زیادی به مسائل نوین در جامعه ایران در آستانه مشروطیت ایجاد کرد. غالب ترجمه‌ها به مباحث تاریخی، علمی و آموزشی مربوط می‌شد و این امر در رشد آگاهی اجتماعی و سیاسی

گروه‌های مختلف ایران مؤثر واقع شد.

۵) نقش ترجمه در نشر نوگرایی در ایران

ترجمه همچنین به عنوان برنامه‌ای برای پیشبرد تجدد مطرح بود. گروه‌های باسواد و فرهیخته ایرانی برای انتقال شعارها و مفاهیم نوگرایی به ترجمه روی آوردند. البته همه آنان مترجمان حرفه‌ای نبودند، بلکه اکثریت‌شان از گروه‌های درباریان سیاستمدار، معلمان و تحصیل کردگان دارالفنون و مدارس جدید و تحصیل گردگان اروپا تشکیل می‌شد که هر یک با مشی فکری و فرهنگی و سیاسی خود به ترجمه توجه داشتند.^{۱۴} با توجه به این تفاوت سطح دانش و پایگاه اجتماعی و انگیزه‌ها در پرداختن به ترجمه، ترجمه‌ها به لحاظ روش در یک سطح فرار نمی‌گرفتند، بلکه برداشت هر مترجم از کار ترجمه بر مبنای افراد، محیط‌های اجتماعی و فرهنگی، اهداف و سلیقه مخاطبان تفاوت داشت، اما در مجموع ایجاد حرکت و جهش اجتماعی داشتند. تجربه ترجمه‌ها در عرصه نگارش و نثر فارسی و سبک جدید بیانی و فکری نوآوری ایجاد کرد. ترجمه‌ها اگرچه به دلایل محدودیت سیاسی و فراهم نبودن بسترهای اجتماعی به کندی و ناپیوسته ادامه داشتند،^{۱۵} اما به تدریج در قاموس فرهنگ جدید نوشتاری، بیانی و فکری نو بسترهای تحول را فراهم کردند. ترجمه‌ها در مقاطعی به دنبال تبیین مجدد ضابطه‌های کهنه بکار رفتند و در این روش نوع ادبی جدید رمان با قصه‌های کهن فارسی و افسانه‌ها و تخیلات علمی با علم همسان تلقی شدند و در مراحل دیگر توانستند تا حدودی با سنت ایرانی گسست پیدا کنند و خود به آفرینش راه و سبک جدید و فرهنگ نوین و ضابطه‌های تازه بپردازند.^{۱۶} انتقال مفاهیم و واژگان جدید و به طور کلی انتقال فرهنگی، در اثر وارد شدن واژگان به مفاهیم جامعه مقصد و وام‌گیری زبان فارسی از اصطلاحات و معانی زبان مبدأ رخ داد. در این انتقال، املائی واژه اروپایی به املائی زبان مقصد تبدیل شد و حتی تغییرات آوایی لازم برای هماهنگ ساختن آن با الگوی آوایی زبان مقصد صورت گرفت و این مسأله از جمله روش‌های ترجمه عناصر و واژگان ذهنی، فکری و فرهنگی مترجمان ایرانی بود که حتی از آن با عنوان «قرض‌گیری فرهنگی»^{۱۷} یاد می‌شد.

14. G. Nashat, *The origins of Modern Reform in Iran, 1870 - 80* (Chicago: University of Illinois Press, 1982), P. 18

۱۵. گوئل کهن، *تاریخ سانسور در مطبوعات ایران* (تهران: آگاه، ۱۳۶۰)، ص ۷۸ - ۷۶.

16. M. M Ringer, *Education Religion, and the Discourse of Cultural Reform in Qajar Iran* (Costa Mesa, CA: Mazda publication, 2001), P.76.

17. Cultural borrowing

موانع تأثیرگذاری بیشتر ترجمه‌ها

الف) غلبه ذهنیت مترجم بر مفاهیم متن اصلی

در منابع و آثار ترجمه‌ای متعدد در اثر اقتباسات ذهنی و زبانی جامعه مقصد (ایران دوره قاجار) شکل‌گیری و تولید معادل نقشی، معادل تشریحی و معادل لفظی در ترجمه دیده می‌شود. در معادل نقشی از واژه‌ای که بار فرهنگی ندارد بجای واژه فرهنگی زبان مبدأ استفاده می‌شد و بدین ترتیب واژه خارجی در زبان مقصد بومی می‌شد. در استفاده از ترجمه و استفاده از معادل تشریحی، معنای واژه فرهنگی، سیاسی و یا اجتماعی در زبان مقصد شرح و توضیح داده می‌شد و به گونه‌ای مفاهیم جدید تعریف و تفسیر کوتاه می‌شدند و این روش به ترجمه‌های تفسیری در برخی متون منجر می‌شد. ترجمه لفظی در صورتی که مفهوم ضمنی اصلی یک مفهوم جدید در اثر تبدیل به زبان مقصد دچار انحراف و نارسایی معنایی می‌شد از اعتبارش کاسته می‌شد. در این صورت، اصل واژه در ترجمه متن به زبان مقصد آورده می‌شد و گاه با املا فارسی نوشته می‌شد.

در برخی از ترجمه‌های دوره قاجار مترجمان از روش «انطباق فرهنگی» استفاده زیادی کرده‌اند. برخی از مترجمان دوره قاجار در ترجمه‌های خود به دلیل فاصله زیاد بین فرهنگ ایرانی و غربی بسیار آزادانه عمل می‌کردند و انطباق‌های زیادی انجام می‌دادند. آنچه را که مجلس مخاطبان ایرانی ناآشنا و یا غریب و بیگانه می‌دیدند حذف می‌کردند یا آن را عوض می‌کردند و به آن رنگ و بوی ایرانی می‌بخشیدند. اسامی و نام شخصیت‌ها و حتی موقعیت و فضای اجتماعی را عوض می‌کردند و در ترجمه نمایشنامه‌ها به تغییر ساختار و محتوای متن می‌پرداختند.^{۱۸} مترجمان به حدی در بومی‌گرایی و انطباق شدید فرهنگی می‌کوشیدند که سبک و زبان نمایشنامه‌ها و رمان‌ها را به شبیه‌خوانی‌های فارسی نزدیک می‌کردند و بخشی از صحنه‌ها را به طور کامل اضافه یا حذف می‌کردند و به شرح و بسط متناسب با ذائقه ایرانی در ترجمه‌ها می‌پرداختند. گفتارها و خصوصیات اشخاص داستان را با فرهنگ ایرانی تطبیق می‌دادند و از اثر غربی ترجمه‌ای بر باب طبع و میل شرقی می‌ساختند. به عبارت دیگر، مترجمان دوره قاجار اخلاق و حالات اشخاص را تغییر می‌دادند و صورت ایرانی به آنها می‌بخشیدند و حتی «مکالمات را کاملاً به سبک بیان ایرانی منظوم می‌کردند و از کلاغ فرنگی بلبل پارسی‌گو می‌ساختند»^{۱۹}

۱۸. بهزاد برکت، «ادبیات و نظریه نظام چندگانه: نقش اجتماعی نوشتار»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۸ (پاییز ۱۳۸۵)، ص ۸۵-۸۹.

۱۹. ادوارد براون، تاریخ ادبیات ایران، ج ۴، ترجمه بهرام مقدادی، تحشیه و تعلیق ضیاءالدین سجادی و عبدالحسین نوایی (تهران:

ب) آثار منفی «این همان سازی» مترجمان در متن ترجمه

در بسیاری از ترجمه‌های دوره قاجار حتی اسامی شخصیت‌های اروپایی به نام‌های ایرانی تغییر پیدا می‌کردند. ارتباطات ایران با اروپا در ابتدا محدود بود و به همین دلیل نام‌های غربی برای ایرانیان ناآشنا و عجیب بودند و مردم با این اسامی احساس بیگانگی می‌کردند. از سوی دیگر، تلفظ آنان برای ایرانیان چندان کار آسانی نبود و نام‌های اروپایی در روال طبیعی گفتار داستان‌ها و نمایشنامه‌های فارسی خلل و خدشه وارد می‌کرد. در نتیجه این ناهمگونی فرهنگی و به منظور افزایش فهم و ارتباط برقرار کردن خواننده ایرانی قرن سیزدهم هجری با موضوع و مفاهیم اروپایی، ضرورت تغییر اسامی و نام‌ها احساس شد. اما این انطباق فرهنگی متن مبدأ با ذهنیت و فرهنگ ایرانی به حدی شدید بود که متن ترجمه شده کاملاً از حال و هوای متن اصلی دور می‌شد و شدیداً رنگ و بوی محلی و زبان مقصد را می‌گرفت. این وضعیت باعث شد تا کار ترجمه به بومی کردن متون منجر شود و «به جای نیویورک از چاله میدان سر در بیاورد.»^{۲۰} این سبک ترجمه‌ها برای خواننده زبان مقصد جذابیت‌ها و کشش بیشتری داشت و عناصر فرهنگی ایرانی که اعتمادالسلطنه در ترجمه طیب اجباری تألیف مولیر وارد کرد به جلب مخاطبان و فاصله‌گیری ترجمه از متن اصلی انجامید. اعتمادالسلطنه در ترجمه این کتاب از مفاهیم آثار قدیمی در حین روایت یک حادثه از جمله اشعار، ضرب‌المثل‌ها و عبارات عربی استفاده کرد و این کار را برای زیبایی کلام ضروری می‌شمرد. ترجمه اعتمادالسلطنه گاهی به حدی بومی می‌شود که انگار در فرهنگ زبان مقصد پدید آمده است. او در ترجمه طیب اجباری تا آنجا پیش می‌رود که یکی از قهرمانان نمایشنامه از رفتن خود به فرنگ و بازگشت به ایران صحبت کرده است: «من نه آنم که شش ماه نوکر میرزا نصیر دکتر بودم و او سه ماه و نیم به فرنگ جهت تحصیل طب رفته و مبلغی داده اجازت طبابت گرفته، به ایران آمده بود.»^{۲۱}

تطبیق موضوع و شخصیت‌های نمایشنامه‌های غربی با مسائل و شخصیت‌های ایرانی، شرقی کردن وقایع و آدم‌ها، تعدیل مضمون‌های متضاد با اندیشه شرقی، بخشیدن حال و هوای ایرانی به آثار از طریق استفاده از عناصر فرهنگی بومی و واژگان و پدیده‌های خاص ایرانی، شرح و بسط بیش از متن اصلی، از عمده‌ترین تغییرات و تطبیق‌هایی بود که مترجمان دوره قاجار در متن ترجمه

۲۰. کریم امامی، *از پست و بلند ترجمه* (تهران: نیلوفر، ۱۳۵۷)، ص ۲۳؛ محمد غلام: *رمان تاریخی، سیر و نقد و تحلیل رمان‌های تاریخی فارسی* (تهران: نشر چشمه)، ص ۸۷-۹۴؛ کریستف بالائی: *پیدایش رمان فارسی* (تهران: انتشارات معین، ۱۳۷۷)، ص ۳۸۰-۳۸۴.

۲۱. سوزان مولیر آکین، *حکایت طیب اجباری*، مترجم: محمدحسن خان اعتمادالسلطنه (تهران: احیاء کتاب، ۱۳۳۶)، ص ۱۷-۱۹.

اعمال می کردند.

این وضعیت به همین سبک تداوم داشت و کتاب‌های ترجمه شده را به «رسم قصه‌نویسان ایران با اشعار فارسی می‌آرستند.»^{۲۲} میرزا حبیب در ترجمه حاجی بابا اصفهانی سراسر کتاب را با اشعار مناسب از خود و استادان سخن فارسی و آیات و احادیث و امثال و ایبان مشحون و آراسته است، به طوری که تصور بر این می‌شود که متن چاپی در اصل به زبان فارسی نوشته شده است.^{۲۳} در ترجمه‌های دوره قاجار علاوه بر اشعار و امثال فارسی که به منظور رونق کلام به ترجمه اضافه می‌شد گاهی عبارات عربی و حتی اشعار گویشی و لهجه‌ای شمالی، ترکی و غیره هم به متن اروپایی وارد می‌کردند.^{۲۴}

با توجه به اینکه نمایشنامه‌های فرانسوی برای مخاطبان ایرانی که به تقلیدها و تأثر روحی و شبیه‌خوانی عادت کرده بودند ترجمه می‌شد، مترجمان دوره قاجار زبان این نمایش‌های ایرانی را به عاریت می‌گرفتند و متن‌های فرانسوی را در قالب آن شکل می‌دادند. اعتمادالسلطنه در ترجمه طبیب اجباری و میرزا حبیب اصفهانی در ترجمه مردم‌گریز که هر دو از آثار مولیر بودند، این شیوه ترجمه‌ای را پیش گرفته‌اند. اعتمادالسلطنه آن را در قالب نمایش تقلید ایرانی و میرزا حبیب متن ترجمه خود را در قالب شبیه‌خوانی ترجمه و عرصه کرده‌اند. گاه شخصیت‌هایی به داستان و نمایش اضافه و گاه شخصیتی حذف می‌شد. اعتمادالسلطنه در ترکیب اشخاص نمایشنامه طبیب اجباری براساس اقتضائات داستان، شخصیتی کاملاً ایرانی با نام «جهود» را با تمام خصوصیات از یک شخص تاجر ایرانی وارد کرده است، اما این شخصیت در داستان شخصیت اصلی نبوده است. محمد طاهر میرزا در راستای همان مسأله انطباق فرهنگی در ترجمه عروس اجباری از مولیر، به جای دو مصری که در متن اصلی بوده‌اند از یک فالگیر و یک رمال استفاده کرده است.^{۲۵} میرزا حبیب هم براساس سنت ترجمه مبتنی بر انتقال فرهنگی^{۲۶} در ترجمه کتاب مردم‌گریز (میزان‌تروپ) صحنه‌هایی از پرده‌ها را کم و زیاد کرده است و محمد طاهر میرزا در نمایشنامه عروس اجباری در فصلی تحت عنوان «عروسی جناب میرزا» ساختار نمایشنامه را برهم زده و بسیاری از عوامل

۲۲. یحیی آربین‌پور، از صبا تا نیما، ج ۱ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷)، ص ۲۶۵.

23. R. A. Kiani, History of Theater and Drama in Iran: Western Influence (California: University of California - Los Angeles, 1984), pp.2 - 70.

۲۴. گزارش مردم‌گریز، ترجمه میرزا حبیب اصفهانی، به کوشش ایرج افشار (بی‌جا: آرمه، بی‌تا)، ص ۴۸۲.

۲۵. آربین‌پور، ص ۳۴۷ و ۳۷۷.

نمایش را حذف و اضافه کرده است.^{۲۷} احتمالاً این مترجمان در آن دوره تاریخی چاره‌ای جز این نداشتند تا اثر را مقبول جامعه و مخاطبان آن بسازند. مولیر این کمدمی را در ده جلسه تنظیم کرده بود، اما محمد طاهر میرزا این تعداد مجلس را به پنج تقلیل داد. چهار مجلس اول را عیناً از روی متن فرانسوی ترجمه کرد و چارچوب و محتوای شش مجلس دیگر را در یک مجلس خلاصه کرده و در قالب مجلس پنجم آورده است.

یکی دیگر از دخل و تصرفاتی که مترجمان دوره قاجار انجام می‌دادند «تغییر عنوان کتاب‌ها» بود که این امر به شکل یک اصل اساسی در میان مترجمان قاجاری رایج بود. اعتمادالسلطنه کتاب *خاطرات* یک خر تألیف کنت دو سگوار^{۲۸} را از فرانسه به فارسی ترجمه کرد، اما عنوان آن را به *الحمار یحمل اسفار* یا *منطق الحمار* ترجمه کرد. محمد زکی علی آبادی تاریخ عثمانی تألیف هامر پورگشتال را با عنوان *سلطان التواریخ* ترجمه و چاپ کرد. کتاب‌های علمی دیگر در موضوعات مختلف دچار تغییر در عناوین و مفاهیمی شدند که به واقع بیان‌کننده تلاش مترجمان برای انطباق اسامی و عناوین و مفاهیم با مفاهیم علوم سنتی ایران است. کتاب پولاک در موضوع پزشکی توسط حکیم‌الممالک با عنوان *زبده الحکمه* ترجمه و چاپ شد. در موضوع کحالی کتاب کاترواسکی توسط محمد حسن خان کفزی با عنوان *ضیاء الناظرین* ترجمه شد. یک کتاب دیگر از پولاک در موضع پزشکی را محمد حسین افشار با عنوان *علاج الاسقام* ترجمه کرد و کتاب زمین‌شناسی تألیف فیگیه^{۲۹} را محمد تقی انصاری کاشانی (۱۳۱۹ - ۱۲۵۶ ق) با عنوان *تذکره الارض* ترجمه کرد.

کرمانشاهی با شناخت این اقتباسات و اعمال جایگزینی‌های غلط در حین ترجمه خود از کتاب *ژیل بلاس*، اسامی شناخته شده از جمله «پاریس، پرتقال، ناپلیان، بیژمارک» و غیره را از این پیشنهاد جدا کرده و در نقد آنها می‌نویسد: «خود اینگونه نام‌ها را باید به کار برد و آوردن جایگزین برای آنها درست نیست.»^{۳۰} این مترجم نام‌های گوناگونی را برای جایگزینی نام‌های خارجی پیشنهاد کرده است. کرمانشاهی از مترجمانی است که در ایرانی کردن چهره ترجمه خود زیاده‌روی کرده است، به طوری که هویت خارجی ترجمه خود را از پایه و اساس دگرگون می‌کرد. او حتی به جای نام‌های فرنگی کتاب‌هایی که در محتوی کتاب *ژیل بلاس* ذکر شده‌اند از نام‌های ایرانی استفاده کرده است و مثلاً از کتاب *نان و حلوا و شسیر و شکر شیخ بهایی* اسم می‌برد. اعتقاد او بر این بود

۲۷. ملک‌پور، ص ۳۷۷-۳۷۶.

28. Countess du segur (1799-1874)

29. Figuet

۳۰. آلن رنه لوساز: همان، مقدمه محمد کرمانشاهی، ص ۱۲-۱۵

که مترجم باید مقصود اصلی نویسنده و پیام متن را به هر شیوه ممکن در ترجمه نشان بدهد و هماهنگ با بیرون و درون متن و به طور سنجیده و آگاهانه در تمام زمان و مکان و اشخاص موجود در اثر دستکاری انجام بدهد. نمایشنامه میزانتروپ (مردم‌گریز) از آثار مولیر را میرزا حبیب اصفهانی در سال ۱۲۸۷ قمری با همین الگو و سبک ترجمه کرد. این مباحث ارزش ترجمه را در کمک به آگاه کردن ملت‌ها از آداب و رسوم و اوضاع و احوال زندگی، شیوه تفکر و عقاید و پیشرفت‌های یکدیگر می‌رساند.

بدین ترتیب، ترجمه به عنوان وسیله و ابزار نمایش تمدن ملت‌ها از آغاز تا امروز راهنما بوده است که ملت‌ها در پیش گرفته‌اند. لذا مترجم در این مسیر باید به سه رکن اصیل در توجه به اهمیت کار ترجمه در شکل‌گیری فرهنگ جدید در عرصه‌های گوناگونی ترجمه یعنی زبان مبدأ، زبان مقصد و موضوع ترجمه، به‌خوبی چیره باشد و بتواند در هم‌افق ساختن دو فکر و فرهنگ مبدأ و مقصد توانایی داشته باشد. زیرا اگر مترجم نتواند بر اندیشه حاکم بر متن دست یابد نمی‌تواند ترجمه درستی از متن به‌دست دهد.^{۳۱} ترجمه خود گونه‌ای هنر بود و مترجم باید از هنر خلاقیت فکری، تخیلی و پویایی اندیشه برخوردار باشد، به طوری که در آفریدن و یافتن واژه‌های معادل و ترکیبات و قالب‌های سنجیده و رسا در زبان گیرنده ترجمه با توانایی بیشتری پیش برود. در جریان یک ترجمه مناسب، نیروی خلاقیت و آفرینندگی با سایر چالش‌های ذهنی همراه است و مترجم باید از چنان مایه علمی و هنری مناسبی برخوردار باشد تا بتواند مسئولیتی بزرگ را با موفقیت انجام بدهد.

ج) محوریت مترجمان در رویکرد نقش‌گرای ترجمه‌ها

در ارزیابی ترجمه‌ها گاه رویکرد نقش‌گرای آن دیده می‌شود. در این رویکرد، یک ترجمه مناسب ترجمه‌ای تلقی می‌شد که نقش تعیین‌شده را در زبان و فرهنگ مقصد به خوبی ایفا کند. در این رویکرد، متن اصلی گاهی فقط منبع خبر تلقی می‌شود و مترجم به عنوان کارشناس یا مؤلفی است که با توجه به نوع و نقش و هدف متن اصلی تصمیم می‌گیرد که متن ترجمه چه نقشی را باید در زبان و فرهنگ مقصد ایفا کند. این امر بیان‌کننده نقش مترجم است. به این معنا که ترجمه یک فعالیت آگاهانه و جهت‌دار است که در آن هر تصمیمی که مترجم بگیرد و یا هر گزینه‌ای که انتخاب کند و یا هر روشی که در پیش بگیرد متأثر از جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک اوست. ترجمه به عنوان ابزار تبادل اندیشه‌ها و نشر معارف بشری در جوامع انسانی اثرگذار بود. مترجم هم در بستر

۳۱. حسن بابک، «ترجمه و تاثیر آن بر زبان و ادب فارسی»، فصلنامه دانشگاه انقلاب، ش ۱۰۹-۱۰۸ (بهار ۱۳۷۶)، ص ۳۷.

اجتماعی - فرهنگی خاص خود به کار می‌پرداخت و خود پاره‌ای از جامعهٔ زبانی محسوب می‌شد که از ترجمه او بهره‌مند می‌شوند. پس، ترجمه یک فعالیت هدفمند و جهت‌دار بود که با توجه به نیازها، باورها و تصورات جامعه و فرهنگ مقصد انجام می‌گرفت. از سوی دیگر برخی نظریه‌پردازان ترجمه، راهبردهای مترجم در فرآیند انتقال متن مبدأ به مقصد را ناشی از دیدگاه‌های ایدئولوژیکی او می‌دانند و به حدی پیش رفته‌اند که ترجمه را فی‌الذات یک فعالیت ایدئولوژیک تلقی کرده‌اند. از دیدگاه چافنر علاوه بر اینکه هر ترجمه‌ای را می‌توان به خودی خود محصول یک ایدئولوژی دانست، جنبه‌های ایدئولوژیک هر متن ترجمه شده را هم می‌توان از دل آن بیرون کشید و در معرض تماشا گذاشت.^{۳۲}

مترجم می‌کوشد تا علاوه بر مقصود نویسنده ویژگی‌های نشانه‌شناختی متن مبدأ را هم بر متن مقصد انتقال بدهد. اما در مسیر فرآیند این نقل و انتقال، موانع و محدودیت‌هایی وجود دارد که می‌تواند بر تصمیمات و روش‌های مترجم تأثیرگذار باشد، زیرا ترجمه کاربرد اصول، قراردادهای ارزش‌ها و باورهای خاصی است که لزوماً در دو فرهنگ و زبان مبدأ و مقصد یکسان نیستند.^{۳۳}

د) جنبه‌های ایدئولوژیک ترجمه

در بررسی جوانب ایدئولوژیک ترجمه فرآیندهای حاکم بر پدید آوردن و پذیرش متن و همچنین قواعد دو زبان مبدأ و مقصد مدنظر قرار می‌گیرند. کاربرد زبان به عنوان یک امر اجتماعی باعث می‌شود تا مترجم به تجزیه و تحلیل کیفیت و کارکرد متن در بستر اجتماعی و فرهنگی آن بپردازد. محدودیت‌های گفتمانی که مترجم در ادوار مختلف ترجمه عصر قاجار در فرآیند ترجمه با آنان مواجه بود در بسیاری از موارد بر ترجمه او تأثیر می‌گذارد. پیوند واژگانی (Cohesion) به عنوان یک مفهوم معنایی است که روابط معنایی درون متن را نشان می‌دهد. در واقع، هرگاه تعبیر و تفسیر عنصری در متن منوط به تعبیر و تفسیر عنصر دیگری در همان متن باشد، پیوند واژگانی رخ می‌دهد.^{۳۴}

یکی از وظایف عمده مترجم توجه به «پیوندهای واژگانی متن» است. بر این اساس، از ابتدای فرآیند ترجمه چند مرحله وجود دارد: مرحله غیرزبانی قبل از ترجمه، مرحله زبانی ترجمه. مرحله غیرزبانی، مرحله انتخاب اثر برای ترجمه است. در این مرحله، چارچوب فرهنگی جامعه مقصد در

32. C. Schaffner, Translation, Politics, ideology, Vol2, In K. Hardey (Ed) (2002), PP. 97- 101.

33. B. Hatim and I. Masn, Translation and The Translator (Landon and Newyork: longman, 1990), pp.23 - 31.

34. Ibid, p.34.

گزینش و ترجمه آثار مؤثر است. در مرحله زبانی ترجمه، جایگزینی عناصر زبان متن مبدأ با عناصر زبانی متن مقصد اتفاق می‌افتد. این عمل جایگزینی به دو صورت انجام می‌شود: یکی حفظ عناصر زبانی متن اصلی با آوردن عناصر زبانی نظیر آنان در زبان فارسی؛ دیگری، تغییر عناصر زبانی زبان مبدأ. در این مرحله با توجه به اینکه مترجمان ذوق و شناخت متفاوت از زبان مادری خود دارند، در مورد اینکه چه عناصری را حفظ کنند و چه عناصری را تغییر دهند، یکسان عمل نمی‌کنند. به همین دلیل هر ترجمه با ترجمه دیگر متفاوت است. مسأله این است که حتی مترجمی که گرایش به لفظ نویسنده نشان می‌دهد گاه به جای حفظ عناصر زبانی زبان مبدأ آنها را تغییر می‌دهد و برعکس، مترجمی که اساساً در پی ترجمه مقصود نویسنده است گاه عناصر زبانی متن مبدأ را در ترجمه حفظ می‌کند.^{۳۵}

روش‌های ترجمه متون

با توجه به اینکه متن اصلی مجموعه‌ای از قابلیت‌های فعلیت یافته زبان اصلی بود این مجموعه زیر مجموعه کوچکی از قابلیت‌های بالقوه زبان اصلی است. «لفظ‌گرایی در ترجمه»، انتخاب مترجم را محدود می‌ساخت، زیرا مترجم در درجه اول از میان این مجموعه عناصر زبانی فعلیت یافته متن اصلی را انتخاب می‌کند و هرگاه که نمی‌توانست که بر عناصر زبانی تسلط یابد به زبان مادری خود روی می‌آورد. این روش امتیازاتی هم داشت و آن اینکه با نوآوری زبانی همراه بود. این نوآوری که الهام گرفته از زبان متن اصلی است به روابط جدیدی میان کلمات در زبان مقصد منجر می‌شد. برخی از مترجمان هم از روش دیگری پیروی می‌کردند. آنان در درجه اول از میان مجموعه عناصر زبانی بزرگتری که مجموعه عناصر فعلیت یافته زبان مادری آنان بود انتخاب می‌کردند. در عرصه ترجمه در ایران، لفظ‌گرایی در ترجمه سنتی غالب بود. در این سنت، حاصل کار ترجمه «شکل‌گیری نثری قابل درک» برای مخاطبان جامعه مقصد بود. اما این نثر با قابلیت‌های بالقوه فارسی نوشته نمی‌شد. سنت لفظ‌گرایی در ترجمه قبل از معنی‌گرایی در این عرصه مطرح بود و ترجمه در سیر تکاملی خود به سوی معناگرایی باید از لفظ‌گرایی عبور می‌کرد. در واقع امر، در لفظ‌گرایی، نویسنده و دنیای او در متن مبدأ در آرامش خود باقی می‌ماندند و خواننده باید برای فهم معانی آن از اوضاع و تحولات جهان نویسنده آگاه باشد. با توجه به اینکه ترجمه قادر به نشان دادن این دخل و تصرفات و اصالت فرهنگ‌ها بوده است می‌توان از ترجمه به عنوان فرصتی

برای نشان دادن و بارز کردن تفاوت‌های زبانی و فرهنگی استفاده کرد.^{۳۶} ترجمه مستلزم شناخت توانایی‌های بالفعل زبان مبدأ و زبان مقصد بود. زبان مقصد تحت تأثیر متن اصلی بسط می‌یافت و به ساختارهای سنتی آن آسیب وارد می‌کرد. ترجمه به عنوان یک امر نسبی امکان انتقال صد در صد الفاظ و ترکیبات و تغییرات و شیوه‌ی بیان نویسنده را نداشت.

مراحل ترجمه در دوره قاجار

جریان و وضعیت ترجمه در هشتاد سال اول شروع آن (از دوره نایب السلطنگی عباس میرزا تا قتل ناصرالدین‌شاه) را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: الف) دوره سی ساله از زمان ترجمه میرزا رضا مهندس تا آغاز فعالیت‌های مدرسه دارالفنون. ب) دوره‌ای که عمده کارهای ترجمه‌ای توسط معلمان و مترجمان دارالفنون وابسته به وزارت علوم و دایره دارالترجمه وزارت انطباعات انجام می‌شد. ج) دوره عمومی شدن گرایش‌ها به ترجمه (دهه آخر ناصری تا آستانه مشروطه).

الف) غلبه روش سنتی ترجمه در دوره اول

در دوره اول ترجمه، از آنجا که سابقه ترجمه کردن از زبان عربی به فارسی و شیوه و سبکی که بیش از هزار سال در ترجمه در میان ایرانیان رواج داشته روش سنتی در کار ترجمه در اولین ترجمه‌های متون اروپایی به فارسی غالب بود. در این سبک ترجمه سنتی، مترجمان برای آنکه مخاطبان به درک نسبی از مباحث برسند و نوشته آنان به زبان مفهوم و به تداول عمومی باشد می‌کوشیدند که تعبیر و اصطلاحات اروپایی را به تعبیر و اصطلاحات زبانزد ایرانی تبدیل کنند. همه مترجمان دوره عباس میرزا، محمدشاه و ناصرالدین‌شاه پیروی از این سنت پیشینیان را ضروری می‌دانستند. این روش به معنای پای‌بندی در قابل فهم بودن عبارات بود و هرگز به معنای انطباق کامل و لفظی ترجمه با متن اصلی نبود. ترجمه آزاد یک روش مطلوب بود. در این سنت ترجمه‌ای تنها از متون دینی به‌ویژه قرآن به شکل کلمه به کلمه ترجمه ارائه می‌دادند و چون تقدس متن دینی باعث می‌شد تا تفسیر و تلیخیص از آن انجام نشود، معنای فارسی هر کلمه را بین سطور در زیر کلمات ذکر می‌کردند. اما در ترجمه متون دیگر هر طور که مناسب می‌دیدند از عباراتی صرف نظر می‌کردند و اشعار و مثل‌های فارسی را به عنوان جایگزین مطالب اصلی می‌آوردند. این مباحث به این معناست که در سبک ترجمه سنتی تمام تلاش مترجم بر مفهوم بودن عبارات بود و نوشته را با یک بیان

۳۶. ژان دوویل، تحلیل کلام روشی برای ترجمه: نظریه و کاربرد، ترجمه اسماعیل فقیه (تهران: راهنما، ۱۳۸۱)، ص ۱۴۹.

صناعی که موافق مذاق و سیاق ایرانیان بود می‌آراستند.^{۳۷}

اغلب ترجمه‌های دوره قاجار بر این منوال انجام می‌شدند و حتی مترجمان در متون ادبی جایز می‌دانستند که برای آسان‌خوانی، نام‌های اروپایی را به نام‌های ایرانی تبدیل کنند. یکی از ترجمه‌هایی که از این سبک استفاده کرده است کتاب *خاطرات* یک خر از کنتس دو سگور فرانسوی بود. اعتمادالسلطنه این کتاب را به فارسی ترجمه کرد و تمام شخصیت‌ها و اسامی و فضای داستان را به اسامی و محتوای ایرانی تبدیل کرد. مترجمان دوره قاجار در ترجمه دو شاهکار ادبی عصر خود هم از این الگوی ترجمه‌ای بهره بردند. یکی از آنان ترجمه کتاب *هزار و یکشب* از عبداللطیف طسوجی است که در دوره محمدشاه از زبان عربی به فارسی ترجمه شد. دیگری کتاب *حاجی بابای اصفهانی* اثر جیمز موریه بود که در سال ۱۳۰۴ قمری از روی ترجمه فرانسوی به فارسی برگردان شد. ترجمه مهم و برجسته کتاب *ژیل بلاس* تألیف لوساژ هم بسیار جالب توجه است، اما نسبت به دو ترجمه اول کمتر رواج یافت. در ترجمه *هزار و یکشب* و ترجمه *حاجی بابای اصفهانی* دو مترجم چیره‌دست ادب فارسی توانسته‌اند اشعار و مثل‌های فارسی را بر متن ترجمه شده بیفزایند و حتی تعابیر و مفاهیم جدیدی را بجای متن‌های اصلی آورده‌اند که به‌خوبی گویای مضمون و محتوا است اما انطباق لفظی و بیانی ندارد.

ب) گرایش به ترجمه غیرمستقیم متون اروپایی در دوره دوم

در دوره مورد بحث، بسیاری از ترجمه‌ها به شکل باواسطه و از زبان غیرمستقیم ترجمه شده‌اند. نمونه این نوع ترجمه‌های غیرمستقیم کتاب *حاجی بابای اصفهانی* است. برخی از آثار علمی هم از ترجمه‌های عربی و ترکی به زبان فارسی ترجمه شدند.^{۳۸} در زمانی که اعتمادالسلطنه کتاب *المآثر* و *الآثار* را در چهلمین سال سلطنت ناصرالدین‌شاه نوشت از افزایش مترجمانی سخن آورده است که به طور مستقیم از زبان‌های اروپایی ترجمه می‌کردند. او شرح داده است که علاقه‌مندان دستیابی به زبان‌های اروپایی زیاد شده‌اند: «خوض در تعلیم و تعلّم السنه مختلفه و لغات شتی که مفتاح اطلاع از فنون و علوم و صناعات و رسوم امم است مقدمه مرابطه و مراودت با دول و ملل عالم: علم لغت فرانسه، علم لغت انگلیس، علم لغت روس و علم لغت آلمان.»^{۳۹} ناصرالدین‌شاه خود به اهمیت

۳۷. بابک احمدی، *ساختار تأویل متن: نشانه‌شناسی و ساختارگرایی* (تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۰)، ص ۷۲.

38. A. R. Sheikholeslami, *The Structure of Central Authority in Qajar Iran 1871- 1896* (Atlanta: Scholars Press, 1997), P. 22.

۳۹. محمد حسن‌خان اعتمادالسلطنه، *المآثر و الآثار* (بی‌جا: کتابخانه سنایی، بی‌تا)، ص ۱۲۷.

یادگیری زبان خارجی آگاه بود و چون به ادبیات و تاریخ و جغرافیا علاقه داشت و اندکی هم زبان فرانسه می‌دانست درصدد بود تا زبان آلمانی و روسی بیاموزد. برخی از شاهزادگان هم زبان‌های خارجی را می‌آموختند و در ترجمه آثار اروپایی فعالیت داشتند و نسبت به مباحث جدید علاقه‌مند بودند. فرهاد میرزا معتمدالدوله، علی‌بخش میرزا قاجار، محمد طاهر میرزا، عبدالحسین میرزا پسر طهماسب میرزا مؤیدالدوله، حسینقلی میرزا عمادالدوله پسر عزالدوله (برادر ناصرالدین‌شاه) از جمله شاهزادگان مترجم بودند.

در دوره ناصرالدین‌شاه برخی از متون علمی، فنی و پزشکی برای تدریس تألیف شدند، اما همه این متون ترجمه‌هایی بودند که از اصل اروپایی ارائه می‌شدند؛ گرچه برخی از این ترجمه‌ها مجموعه‌ای از چند کتاب بودند. در واقع، علت اصلی گرایش به «تألیفات ترجمه‌ای» در میان مترجمان دوره ناصری این بود که هنوز تعداد منابع فکری، علمی و فرهنگی جدید در زبان فارسی متعدد و متنوع نبود. در این شرایط از راه تلفیق آثار به ترجمه می‌پرداختند. اعتمادالسلطنه مثال‌هایی از دو کتاب اساسی تعلیماتی که به این شیوه تهیه شدند آورده است. او درباره هندسه وسطی و علیا تألیف نظام الدین مهندس الممالک غفاری از تحصیل‌کردگان دوره ناصری در اروپا می‌نویسد: «از روی کتب معتبره صنایع ممالک اساتید ممالک اروپا به فارسی ترجمانی کرده است.» کتاب هیأت تألیف عبدالغفار نجم الملک هم از روی کتب معتبره اروپاییه به لغت فارسیه مترجم داشته است.^{۴۰}

مترجمان عصر ناصری برای ترجمه آثار از زبان مستقیم از چند لغت‌نامه بهره می‌بردند. این مراجع در هندوستان، از انگلیسی به فارسی و از فرانسه به فارسی نوشته شده بودند. در ایران هم به علت اینکه ضرورت تهیه کتاب لغت و زبان‌آموز مشهود بود تألیف فرهنگ دو زبانه مرسوم شد. از جمله مهمترین این فرهنگ‌ها فرهنگ فرانسه به فارسی بود که در ۱۲۹۶ قمری جلد اول آن در تهران چاپ شد. در مقدمه آن اعتمادالسلطنه مدعی شده است که ناصرالدین‌شاه خود به «تألیف و تصنیف» این اثر پرداخته است. در پایان مقدمه این لغت‌نامه آمده است که بررسی و رسیدگی علمی این لغت‌نامه در مجمعی از دانشمندان زبان‌های عربی، فارسی و ترکی به ریاست اعتمادالسلطنه انجام شده است.

در ترجمه‌های اولیه تلاش مترجمان بر آن بود که از سبک نثر فارسی متداول دور نشوند و تحت تأثیر عبارت‌بندی زبان خارجی درنیایند. به این ترتیب تلاش کردند که از حیث استعمال واژگان، اصطلاحات زمانه و جامعه خود را به کار ببرند. در ترجمه کتاب *در احوال ناپلئون* که در

۴۰. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، *المآثر و الآثار* (بی‌جا: کتابخانه سنایی، بی‌تا)، ص. ۱۷۴

سال ۱۲۵۲ قمری چاپ شد مهندس میرزا رضا مترجم می‌نویسد: «مورخین نوشته‌اند که ناپلئون از بدو تمییز و رشد در فهم علوم و درک رسوم مضر و مبرم بود. فی الحقیقه برای انسان بالاتر از این مکتبی و صنعتی نخواهد بود.»^{۴۱} در اینجا مشخص است که مترجم تحت تأثیر سبک ادبی و بلاغی زبان فارسی «فهم علوم» و «درک رسوم» را مناسب دیده است و به جای «هنر» از لفظ «صنعت» استفاده کرده است. ادبیات محمد حسین قاجار در ترجمه کتاب تاریخ فردریک دوم که در سال ۱۲۸۵ قمری چاپ شده است، مبتنی بر بیان و قالب‌های سنتی زبان فارسی است: «باید از ترقیات صنعت حربیه و علم آداب آن و از کار پولیطیکیه چشم درپوشید ناامید بود و اینکه ما را از کار آنها یک نوع مردیتی حاصل شده کمالیتی دست بدهد.»^{۴۲} در ترجمه تاریخ فردریک دوم ترجمه کلمات حربیه و پولیطیکیه براساس رسم زمانه در تبعیت از قواعد زبان عربی با تأنیث و بر اوزان افعال عربی طراحی و بیان شده است. زین العابدین منشی هم در ترجمه قانون نظام روس که به دستور علیقلی اعتضادالسلطنه وزیر علوم انجام شد از مفاهیم مربوط به ذهن ایرانی خود جهت بیان و ترجمه متن استفاده کرده است. مجموعه این آثار ترجمه شده در درون خود عبارات ترکیب شده با لغات عربی را دارند و از نظر سبک و اسلوب کاملاً با نوشته‌ی ادیب ایرانی که اصلاً زبان خارجی نمی‌دانست، مطابقت دارد.

در مقابل مترجمان سنتی معتقد به سبک ترجمه خاص قدیمی، برخی از مترجمان توجه به ساده‌نویسی در ترجمه را به عنوان یک اصل انجام دادند و برای ترجمه رسالت اجتماعی و فرهنگی و تأثیرپذیری از متن مبدأ را قائل بودند.^{۴۳} یکی از این مترجمان علی محمد مستوفی از اعضای دایره انطباعات بود که در سال ۱۳۰۸ قمری به ترجمه کتاب جنگ سودان پرداخت. او در این ترجمه از زبان جدید و گویا برای ترجمه کردن استفاده کرده است. در ترجمه سبک جدید اسامی خارجی با تلفظ صحیح آن مورد توجه قرار گرفته و مترجم تحت تأثیر زبانی است که متن را از آن ترجمه کرده است. اما مستوفی اسم‌های خاص را گاه به تلفظ نادرست از زبان مبدأ نقل کرده و وحدت در نقل اسامی در ترجمه وی وجود ندارد. او در ذکر اسامی، «غلیوم» را به جای «گیوم» یا «ویلهم»، «آقست» را به جای «آگوست» و «کرتج» را به جای «کارتاز» آورده است.

در شیوه ترجمه سنتی، نامگذاری عنوان کتاب هم به همین شکل انجام می‌شد. اعتمادالسلطنه

۴۱. میرزا رضا مهندس: تاریخ اسکندر کبیر، مقدمه

۴۲. تاریخ فردریک دوم، ترجمه محمد حسین قاجار، ۱۲۸۵ ه.ق، نسخه خطی کتابخانه ملی، شماره ۱۲۳۷/ف، ص. ۱۱۴

۴۳. کریستف بالائی و میشل کوئی‌پرس؛ سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی، ترجمه احمد کریمی‌حکاک (تهران: انجمن

ایرانشناسی فرانسه در ایران و انتشارات معین، ۱۳۸۷)، ص ۱۴۷-۱۵۱.

براساس همین رویکرد سنتی کتاب نویسنده فرانسوی کنتس دو سگور را با عنوان *الحمار یحمل اسفار* ترجمه کرد. مترجمان دیگر کتاب دکتر پولاک را با عنوان *زیده الحکمه*، کتاب کالزوسکی را با عنوان *ضیاء الناظرین* و کتاب *زمین شناسی* فیگیه را با عنوان *تذکره الرض* ترجمه کردند. موضوع و محتوای آثار ترجمه‌ای این دوره هم یکی از راه‌های شناخت جهت‌گیری فکری و فرهنگی است. تنوع موضوعات در میان منابع ترجمه و چاپ شده در دوره ناصری قابل توجه است. در این دوره کتاب‌های علوم و تاریخ، آثار فکری، فلسفی و ادبی ترجمه و چاپ می‌شد. ترجمه کتاب *l'orphelin de la chine* از ولتر توسط آوانس خان و ترجمه کتاب *شاهزاده بابل la princess de babylon* از ولتر، ترجمه *رساله آزادی جان استوارت* میل با عنوان *منافع حریت* و ترجمه *رساله فلسفی* از ژول سیمون فرانسوی با عنوان *زمین و زمان* انجام شد. *گفتاری از میرابو* و ترجمه کتاب *گیبون با عنوان تنزل و انحطاط دولت روم* و ترجمه *نمایشنامه‌های مردم‌گریز* از مولیر توسط میرزا حبیب اصفهانی که سعی کرده تا چیزی بر اصل متن نیفزاد بیان‌کننده آن است که ترجمه آثار دوره ناصری از حیث موضوعی از تکرار قابل توجهی برخوردار بوده‌اند. توجه ناصرالدین‌شاه و ظل السلطان به آگاهی از غرب و تحولات و پیشرفت‌های آنان باعث گرایش به ترجمه کتاب‌های تاریخ و سرگذشت سلاطین و سپس متون جغرافیایی به‌ویژه سفرنامه‌ها شد. به همین دلیل کتاب‌هایی که در این زمینه‌ها باقی مانده است بیشتر از موضوعات دیگر است. کتاب‌های ترجمه احوال (biography) اسکندر، فردریک کبیر، ناپلئون بناپارت، الکساندر روس، نیکلا، کاترین، لوئی چهاردهم و دیگران مورد نظر شاه قاجار و دربار بودند و برخی از آنان چاپ شدند.

ج) گرایش به ترجمه متون عمومی در دوره سوم

یکی دیگر از تنوعات موضوعی در ترجمه‌ها توجه به ترجمه اخبار و گزارش‌های علمی، سیاسی و جغرافیایی جهان و ترجمه مقالات مربوط به شرح اختراعات و اکتشافات بود. بسیاری از این ترجمه‌ها در روزنامه‌های دوره ناصری چاپ شدند و در ترویج ساده‌نویسی در نثر فارسی و جلب مخاطبان بیشتر نقش عمده داشتند. ترجمه آثار مربوط به طبیعت و عجایب و غرایب امور دنیا و سرزمین‌های مختلف از روی حس کنجکاوی یا برای اطلاعات عمومی شاه و درباریان باعث ترجمه همزمان *سفرنامه کاپیتان اطراس به قطب شمال* و ترجمه *رحله ابن بطوطه* شد. در حالیکه این دو اثر هیچ قرباتی به لحاظ محتوا و جهان‌بینی نداشتند و تنها علت، همزمانی ترجمه و چاپ این دو براساس میل و علاقه شاه قاجار به طبیعت و سفر بود. *رحله ابن بطوطه* در شمارگان پیاپی روزنامه

ایران ترجمه و نشر یافت.^{۴۴} ترجمه سفرنامه‌های چین، استرالیا، آفریقا، ترکستان و ترجمه رساله‌های علمی در مورد زلزله‌ها و آتشفشان‌ها توسط علیقلی کاشانی در روزنامه ایران انجام می‌شد. همه این مباحث بیان‌کننده توجه گروه‌های مختلف مترجمان به ابعاد متعدد دنیای جدید بود که با تفاوت در انگیزه و سلیقه آنان این موضوعات بیشتر هم می‌شد.

(د) خاستگاه اجتماعی و علمی مترجمان

پایگاه اجتماعی مترجمان در دوره‌های ترجمه‌ای، متفاوت بود. تعدادی از آنان زبان خارجی را در خارج از ایران آموخته بودند و تعدادی هم در دارالفنون تحصیل کرده بودند. برخی از مترجمان از افراد اقلیت‌های زبانی و دینی از جمله ارمنی، یهودی و آسوری‌ها بودند و گروه دیگری از مترجمان شامل مأموران سیاسی و هیأت‌های مذهبی خارجی بودند و طبعاً هر کدام از این گروه‌های بزرگ و کوچک نقش مهمی در جهت‌گیری فکری ترجمه‌ها و تعدد آنان داشتند. اکثر مترجمان به‌ویژه در دهه‌های اول حکومت ناصرالدین‌شاه به‌رغم تفاوت در پایگاه اجتماعی در یکی از چهار دستگاه دولتی به کار ترجمه می‌پرداختند. دستگاه‌های ترجمه دولتی شامل دارالترجمه همایونی به عنوان بخشی از وزارت انطباعات، مدرسه دار الفنون، وزارت خارجه و دستگاه حکومتی ظل السلطان بودند. تعدادی از مترجمان شخصاً به کار ترجمه و تألیف علاقه داشتند و آثاری را بر حسب علاقه خود ترجمه کردند. از جمله این مترجمان می‌توان از شاهدادگان فرهیخته‌ای چون بهاء‌الدوله، محمودلی میرزا، علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، فرهاد میرزا معتمدالدوله، طهماسب میرزا مؤیدالدوله، خانلر میرزا احتشام السلطنه، بدیع الملک میرزا، علیخان ظهیرالدوله و حسینقلی میرزا عمادالسلطنه بودند. ظل السلطان هم به ترجمه و تاریخ و ادبیات دلبستگی داشت و در دستگاه او محمد تقی انصاری کاشانی حکیم و میرزا محمودخان افشار کنگاوری مترجمانی بودند که در نشر روزنامه فرهنگ اصفهان مؤثر بودند.

یکی از مراحل ترجمه‌ها ویراستاری آنان بود که شامل تحریر و تهذیب متن ترجمه می‌شد. در این مرحله برخی از افراد به تصحیح و روان‌تر کردن متن ترجمه فصاحت و بلاغت کلام توجه داشتند. از جمله این افراد می‌توان از محمد حسین شوکت، رضاقلی سرابی، محمدحسین فروغی و غیره نام برد. دوستعلی‌خان معیرالممالک کتاب تاریخ نیکولا که ژول ریشار فرانسوی به فارسی

ترجمه کرده بود را تصحیح کرد.^{۴۵} از مسائل اصلی ترجمه این بود که در همه موارد، تخصص مترجم مورد توجه نبود بلکه برخی مترجمان که کارشان صرفاً ترجمه بود در هر زمینه‌ای کتاب ترجمه می‌کردند. از جمله این مترجمان می‌توان از محمود افشار کنگاوری در دستگاه ظل السلطان و عارف‌خان ارومی در دارالترجمه همایونی نام برد. همچنین می‌توان به ترجمه کتاب هیأت به دستور اعتضادالسلطنه توسط طولوزان فرانسوی طیب شاه به همراه محمد تقی کاشانی که هیچیک از آنان در زمینه هیأت اطلاعی نداشتند، اشاره کرد. اعتضادالسلطنه متن ترجمه آنها را به عبدالغفار نجم الملک متخصص هیأت و نجوم داد تا او به ارزیابی تخصصی آن بپردازد.^{۴۶}

وزارت علوم و وزارت انطباعات اصلی‌ترین تشکیلات دولتی مرتبط با کار فرهنگی و ترجمه در دوره ناصری بودند. شرح اجزاء و وظایف این دو در سالنامه‌های رسمی آمده است. وزارت علوم مسئول امور مدرسه دارالفنون بود. حضور معلمان خارجی باعث شد تا مدرسه به عنوان یک کانون ترجمه در موضوع نوگرایی آموزشی فعال شود. تعدادی از ایرانیان هم به عنوان مترجم در کنار آنان به ترجمه علوم جدید مشغول بودند که از جمله آنان میرزا احمد، میرزا خلیل، میرزا رضاخان، محسن میرزا و کاظم‌خان بودند.^{۴۷}

وزارت انطباعات هم چند شعبه داشت. دارالترجمه مبارکه (خاصه) دولتی (همایونی) که ریاست آن به عهده محمد حسین فروغی ذکاءالملک واگذار شده بود، دایره انطباعات و روزنامه‌جات، دارالطباعة دولتی که مسئولیت آن هم به عهده محمدحسین فروغی بود و مجمع دارالتالیف نامه دانشوران که اعتضادالسلطنه آن را ایجاد کرد و تا پایان عمر محمدحسن اعتمادالسلطنه فعال بود، از جمله این شعبات بودند.^{۴۸} به طور کلی، دو گروه اصلی مترجمان که در دارالترجمه کار می‌کردند شامل مترجمان ایرانی و مترجمان فرنگی و اقلیت‌های دینی و قومی بودند که در ترجمه‌ها نقش بسزایی داشتند. اعتمادالسلطنه در شرح اقدامات مربوط به مدرنیت از برنامه ترجمه‌ها سخن گفته است: «... از السنه شتی و لغات مختلفه به پارسی ترجمانی می‌شود و هر چند روز یکبار از لحاظ اقدس شهریار می‌گذرد.»^{۴۹} اعتمادالسلطنه تقریباً هر روز به دارالطباعة و دارالترجمه می‌رفت و از تلاش‌ها برای تنظیم و توسعه دارالترجمه سخن می‌گفت. وی یکی از موانع توسعه آن را حسادت

۴۵. عبدالله انوار، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی، ج ۱ (تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۹)، ص ۱۴۵.

۴۶. همان، ج ۱، ص ۲۰۵.

۴۷. اعتمادالسلطنه، المائر و الاثار، ص ۴۰۴.

۴۸. همان، ص ۱۷۴ و ۴۰۹.

۴۹. همان، ص ۱۵۵.

وزیر خارجه، میرزا سعیدخان برشمرده است، به طوری که اعتمادالسلطنه برای استفاده از مترجمان وزارت خارجه در محل دارالترجمه باید از حکم ناصرالدین شاه استفاده می کرد.^{۵۰}

نتیجه گیری

ویژگی اساسی برنامه نوگرایی در دوره قاجار ترجمه و نشر آثار در زمینه علوم، تاریخ، تراجم، احوال، سیاحت نامه و ادبیات از زبان های غربی به فارسی بود. دوره ناصری (۱۳۱۳ - ۱۲۶۴ ق) پربارترین دوره ترجمه است که تحت نظارت شاه قاجار دارالترجمه برپا شد و در آنجا هیأتی از مترجمان به منظور ترجمه آثار اروپایی و روزنامه های ادواری به زبان فارسی گرد آمدند. همه مباحث ترجمه های توسط شاه خوانده می شد و اکثراً منتشر شدند.

کلیه تلاش های عرصه ترجمه در دوره پنجاه ساله اول سلطنت قاجار از جمله همکاری معلمین و مربیان، مهندسین و افسران فرانسوی، دائر شدن مدارس و مؤسسات جدید آموزشی، تأسیس چاپخانه، اعزام محصل به اروپا، تعلیم زبان فرانسه و انگلیسی و نهایتاً شروع فرآیند جدی ترجمه کتب از زبان های مذکور به فارسی زمینه را برای تأسیس دارالفنون فراهم ساخت و این مؤثرترین وسیله برای اشاعه و ترویج زبان فرانسه و تمدن اروپایی بود.

در برخی متون ترجمه ای، گاه سیاست ترجمه ای سیاست تشابه با غرب بوده است و در این صورت اکثر متون با رویکرد مبدأ محور ترجمه می شدند. گاهی هم بازتولید متن براساس رویکرد متفاوت با غرب و مبتنی بر رویکرد جامعه مقصد بود و در عین ترجمه متون به بازتعریف مرزهای هویتی در برابر غرب می پرداخت. در این حالت، دنیای ناخودآگاهانه و آگاهانه ایرانیان در نگاه به بیگانه منعکس می شد. در اینجا، نظام های معنایی که بخشی از فرهنگ و جهان فرهنگی جامعه ایران به شمار می رفتند در قالب عناصر زبانی و فکری و فرهنگی در متن تبلور پیدا می کردند. دو فضای اصلی که متن در درون آن ساخته و پرداخته می شد عبارت بودند از فرهنگ و ایدئولوژی. این مسأله به تصویرسازی های جمعی در قالب متون از بیگانه در سامانه معرفتی جامعه ایران قاجاری و جهان فرهنگی این جامعه معنا و مفهوم پیدا می کرد. در گفتمان روشنفکری توجه به ترجمه با رویکرد مبدأ محور نوعی اندیشه شباهت با غرب و هم ذات پنداری با آن در فضای فرهنگی متون ترجمه ای برجسته می شد و همچون یک تلاش نوجویانه بر ضد قدرت رسمی ارائه می شد. اما در برخی متون هم که با سفارش قدرت سیاسی ترجمه و تهیه می شدند در پرتو ترجمه می توان دید

که مرزسازی‌های هویتی و تاکید بر مبانی تفاوت برجسته‌تر شده است. گفتمان قدرت، زبان سیاسی به کار گرفته شده در متن سیاسی جامعه در یک دوره مشخص را در بستر ترجمه‌ها اعمال می‌کرد. زبان قدرت یعنی نظام معنایی متشکل از واژگان مرتبط با قدرت و سلطه سیاسی که آن را تولید می‌کند و از طریق آن به قدرت و سلطه و اعمال آن معنا می‌دهد. پس گفتمان قدرت همان شیوه کاربرد زبان قدرت و ترتیب و توالی واژگان آن است، به طوری که قدرت سیاسی آن را به منزله یک کردار در عرصه سیاسی جامعه اعمال می‌کند. گفتمان قدرت در ترجمه‌ها شامل توجه به نوعی از متون با محتوای خاص بود که لایه‌ای فرهنگی (فرهنگ رسمی) از کاربرد زبان و نشانه‌ها (نظام دلالتی) توسط قدرت سیاسی بوده است. در جامعه ایران گاهی موانع فرهنگی و زبان‌شناسی نقش مهمی در تسلط گفتمان جامعه مقصد بر جامعه متن اصلی داشت. اما گفتمان اجتماعی ضد قدرت از جمله رویکرد روشنفکران و برخی کانون‌های اجتماعی ضد قدرت که لایه‌ای فرهنگی به نام فرهنگ مقاومت را تشکیل می‌دادند از کاربرد زبان و نشانه‌ها و نظام دلالتی توسط نیروهای اجتماعی مخالف وضع موجود و در اصطلاح با گفتمان قدرت در ترجمه آثار با مضامین انتقادی پرداختند. تلاش این گروه در تقویت لایه‌ای فرهنگی به نام فرهنگ عامه و کاربرد عمومی زبان و نشانه‌ها توسط جامعه و در تعاملات اجتماعی حائز اهمیت بود. گفتمان شباهت به دنبال برقراری یک شباهت بین «ما»ی ایرانی و «آنان» بود. در اینجا این گفتمان تلاش می‌کرد تا به دنبال شباهت‌هایی بگردد و در صورتی که پیدا نمی‌کرد دست به شباهت‌سازی می‌زد و شباهت‌های جدید و تازه‌ای را به وجود می‌آورد. در این تلاش‌ها، هدف همانا همگون‌سازی خویش‌ای ایرانی با بیگانه است. گفتمان شباهت با غرب نشان دهنده به تصویر کشاندن ابژه بیگانه در گفتمان ایرانی است. در رویکرد جهان‌گرایی در ترجمه‌ها دال‌های مدرنیستیون و تجددگرایی محور توجه قرار گرفته بود و غرب در درون متن به ابژه تکنولوژی تبدیل شده بود. این نوع هویت‌سازی همواره با نگاهی مثبت به تماس‌های فرهنگی با دیگر فرهنگ‌ها می‌نگرد و پیوسته به بیرون از خود و به سوی فرهنگ‌دیگری گرایش دارد.

کتابنامه

- آرین‌پور، یحیی. *از صبا تا نیما*. ج ۱. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷.
 احمدی، بابک. *ساختار تأویل متن: نشانه‌شناسی و ساختارگرایی*. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۰.
 اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۵.

_____ الماثر و الاثار. بی‌جا: کتابخانه سنایی، بی‌تا.

- آکین، سوزان مولیر. حکایت طبیب اجباری، مترجم: محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، تهران، احیاء کتاب، ۱۳۳۶
امامی، کریم. *از پست و بلند ترجمه*. تهران: نیلوفر، ۱۳۵۷.
- انوار، عبدالله. *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی*. ج ۱. تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۹.
- بابک، حسن. «ترجمه و تاثیر آن بر زبان و ادب فارسی». *فصلنامه دانشگاه انقلاب*. ش ۱۰۹-۱۰۸. بهار ۱۳۷۶.
- بالائی، کریستف و کوئی پرس، میشل. *سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی*، ترجمه احمد کریمی حکاک. تهران: انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران و انتشارات معین، ۱۳۸۷.
- بالائی، کریستف. *پیدایش رمان فارسی*. تهران: انتشارات معین، ۱۳۷۷
- براون، ادوارد. *تاریخ ادبیات ایران*. ج ۴. ترجمه بهرام مقدادی. تحشیه و تعلیق ضیاء الدین سجادی و عبدالحسین نوایی. تهران: انتشارات مراوید، ۱۳۵۷.
- برکت، بهزاد. «ادبیات و نظریه نظام چندگانه: نقش اجتماعی نوشتار». *نامه علوم اجتماعی*. شماره ۲۸. پاییز ۱۳۵۸.
- تاریخ فردریک دوم. ترجمه محمد حسین قاجار. ۱۲۸۵ ه.ق. نسخه خطی کتابخانه ملی، شماره ۱۲۳۷ / ف. خزائی فر، علی. «نظریه ترجمه، دیروز و امروز». *نامه فرهنگستان*. ش ۲۸. زمستان ۱۳۸۴. ص ۷۹ - ۶۹. دولیل، ژان. *تحلیل کلام روشی برای ترجمه: نظریه و کاربرد*. ترجمه اسماعیل فقیه. تهران: انتشارات راهنما، ۱۳۸۱.
- روزنامه ایران سلطانی*. ۱۳۲۱ ه.ق. ش ۱۳۱ و ۱۳۲.
- رونه لوساژ، آلن. *سرگذشت ژیل بلاس*. ترجمه محمد کرمانشاهی. به اهتمام غلامحسین میرزا صالح. تهران: مازیار - معین، ۱۳۷۷.
- صلحجو، علی. «کارکردگرایی در ترجمه». *فصلنامه مترجم*. س ۸. ش ۲۹. تابستان ۱۳۷۸. ص ۴۶ - ۳۹.
- _____ *گفتمان و ترجمه*. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷.
- فشاهی، محمدرضا. *از گاتها تا مشروطیت: گزارشی کوتاه از تحولات فکری و اجتماعی در جامعه فئودالی ایران*. تهران: گوتنبرگ، ۱۳۵۴.
- کهن، گوئل. *تاریخ سانسور در مطبوعات ایران*. تهران: آگاه، ۱۳۶۰.
- گزارش مردم گریز. ترجمه میرزا حبیب اصفهانی. به کوشش ایرج افشار. بی‌جا: آرمه، بی‌تا.
- Bosworth, E. C. Hillenbrand (Eds). *Qajariran: Political Social and Cultural Change*. Costa Mesa ca: Mazda, 1983.
- Hakkak, karim. "Persian Tradition." *Encyclopedia of Translation Studies Database*. 1995.
- Hatim, B. and I. Masn. *Translation and The Translator*. Landon and Newyork: longman, 1990.
- Hillmann, M.C. "Persian Prose Fiction: An Iranian Mirror and Conscience" In. *Persian*

- Literature, E. Yarshater (Ed). 1988.
- Kiani, R. A. *History of Theater and Drama in Iran: Western Influence*. California: University of California - Los Angeles, 1984.
- Lorentz, j. H. *Modernization and Political Change in Nineteenth Century Iran: the Role of Amir kabir*. Princeton: Princeton University, 1974.
- Menashri, D. *Education and the Making of Modern Iran*. London: University Press, 1992.
- Nashat , G. *The origins of Modern Reform in Iran, 1870 - 80*. Chicago: University of Illinois Press, 1982.
- Ringer, M. M. *Education Religion, and the Discourse of Cultural Reform in Qajar Iran*. Costa Mesa, CA: Mazda publication, 2001.
- Schaffner, C. *Translation, Politics, ideology*. In K. Vol2. Hardey (Ed). 2002.
- Sheikholeslami, A. R. *The Structure of Central Authority in Qajar Iran 1871- 1896*. Atlanta: Scholars Press, 1997.

